



در جست‌وجوی خانه آرام

متخصصان و فعالان حوزه حقوق زنان از واکاوی پدیده خشونت و ظلم علیه زنان در خانه و راهکارهای مقابله با آن می‌گویند

۲۲

● ششم‌شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۱ | ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ | سال سی‌ونهم | شماره ۸۶/۸۶

قانونی برای امنیت زنان

«لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» قانونی که نگاه رهبر انقلاب برای رفع ظلم به زنان را دنبال می‌کند

۲۴



همیشه برای اجتماع



طرح همسفری انجام‌شده توسط

گلایه‌های زنان

خواسته‌ها و مشکلات زنان در خانه چه مواردی هستند و چگونه بر طرف می‌شوند؟

گزارش

رابعه تیموری

روزنامه‌نگار

تا پیشان به دادگاه و محکمه باز نشده، ته نگاهشان آرامش نستسته و حرف‌هایشان فقط گلایه‌است؛ گلایه‌هایی که از بس تا نوک زبانشان رسیده و فورتش داده‌اند، دیگر به غرزدن زنان شباهتی ندارد و بوی شکوه می‌دهد؛ شکوه از همسر و هم‌راهشان که تاکنون به حکم عشق و معرفت از سر تقصیرش گذشته‌اند و امیدوارند به روزی که او به برکت همین عشق و وفاداری بر سرانصاف آید و شکوه از بزرگ‌ترهایی که با قوانین نانوشته خود باعث پوجودآمدن این شکوه‌ها و زخم‌های سربسته شده‌اند، اما وقتی پیشان بد جور توی ذوق می‌زند، اینجا میان حسن‌های مت‌نشین شده نگاهشان، رد و نشانی از آرامش یافت نمی‌شود و گلایه‌به مطالباتی از سر درد و استیصال تبدیل شده‌است.

شأنت بیشتر نیست

تا مجتمع قضایی شهید باهنر راهی نیست، بهترین جایی که می‌توانم حرف‌های آنها را بشنوم راه‌روهای دادگاه‌های خانواده‌است. قطار که در ایستگاه متروی تهرانپارس توقف می‌کند، از لابه‌لای جمعیت زنانی که از واگن بانوان خارج می‌شوند خودم را به سختی بیرون می‌کشم و کمی آن طرف‌تر از حریم قطار به تماشایشان می‌نشینم، بعضی از آنها عجول و گرفته به‌نظر

می‌رسند و بعضی هم خونسرد و آرام، فکری ذهنم را مشغول می‌کند: «این زن‌ها که شاکمی و ناراضی به دادگاه مراجعه نکرده‌اند حرف و گلایه‌ای ندارند؟ در خانواده‌هایشان اوضاع بر وفق مراد است؟» نزدیک پله برقی با فاطمه‌شانه به‌شانه می‌شوم. میناسال است و پشته‌شال‌های کاموایی توی ناپولوش نشان می‌دهد در مترو فروشدگی می‌کند. می‌گوید: «شوهرم خوش نمی‌آید من کار کنم، ولسی خرجی‌دادنش از صدقه‌دادن بدتر است. صبح به صبح ۵۰ هزار تومان روی تاقچه می‌گذارد که برای ۴ نفر آدم صبحانه و ناهار و شام بیزم و خانه را بچرخانم. تازه حالا که می‌داند گرانی است روزی ۵۰ تومان می‌دهد. نه اینکه نداشته باشد، خسیس است و تا اعتراض می‌کنم می‌گوید مگر خانه پدرت چطور می‌گشتی که حالا ادعایت بالا رفته؟ یک عمر صورت‌م را با سیلی سرخ نگه داشتم. دور از چشم شوهرم در خانه لباس کاموایی می‌پافتم و می‌فروختم، ولی دیگر بچه‌هایم بزرگ شده‌اند و خرجشان بیشتر شده. نمی‌توانم توی خانه منتظر بنشینم که آشنا و در و همسایه به لباس زمستانی احتیاج پیدا کنند.» همسر فاطمه موبه‌فروش است و او از صبح ساعت ۹ نیم تا ساعت ۱۰ شب که همسرش مغازه را می‌بندد، وقت دارد نهنپانی کار کند.

کافر همه را در کیش خود پندارد
نرسیده به خیابان شهید عباسپور مکالمه تلفنی دختر جوانی توجهم را جلب می‌کند: «دیشب باز دیوانه شده بود و می‌گفت تو با یک غریبه سر و سر داری. زهرماری خورده بود و معلوم

نیست تا آن موقع کجا بوده»، صورتش خسته است و ساده لباس پوشیده، مهتاب دارد و از بددلی‌های شوهر شکاک جانش به لب رسیده است. می‌گوید: «در خانواده همسرم مردان به اخلاق پایبند نیستند و زن و زندگی‌شان تعهدی ندارند، ولی چون خودشان بی‌بندوباند به همسرشان هم راحت برچسب می‌زنند و آنها را به بی‌عفتی متهم می‌کنند.» مهتاب وقتی متوجه رابطه همسرش با چند زن غریبه شده، موضوع را با پدر و مادر همسرش در میان گذاشته، ولی جوابی غیرمنطوره از آنها شنیده است. او تعریف می‌کند: «مادر شوهرم با آنکه یک عمر از بی‌بندوباری همسرش رنج برده، حالا از پسرش حمایت می‌کند که هر طوری دوست دارد از زندگی‌اش لذت ببرد.» مهتاب برای حفظ آبروی خانواده پدری‌اش رنج خود را حتی از نزدیکانش مخفی کرده و فقط مادرش از تک‌خورن‌های گاه و بی‌گاه دخترش باخبر است. برخلاف تصور مجتمع قضایی شهید

باهنر که در ابتدای خیابان شهید عباسپور قرار گرفته، مقصد مهتاب نیست و او با بغض گره‌خورده‌اش به طرف ایستگاه اتوبوس می‌رود.

فقط مادر مقصر است

راه‌روهای دادگاه خانواده شلوغ‌ترین بخش مجتمع است و در میان مراجعان آن، زن‌های جوان، میناسال و حتی زنان پرسن و سال به چشم می‌خورند. اکرم از جمله زنانی است که با سر و گیس سفید گذرش به دادگاه خانواده افتاده است. او با بغض می‌گوید: «شوهرم بعد از یک عمر زندگی قصد دارد دوباره زن بگیرد

و من رضایت ندادم. او هم می‌خواهد من را طلاق بدهد.» خدا به اکرم فقط یک فرزند بخشیده که معلول ذهنی به دنیا آمده است. پزشکان نتوانستند دلیل این اتفاق را تشخیص دهند، ولی همسر اکرم معتقد است فقط شرایط جسمی زن در سلامت فرزندی که به دنیا می‌آورد تأثیر دارد.

دختران ارث نمی‌برند

زن جوانی که پشت در دفتر مشاوره به انتظار نوشتن نستسته، با پیچ‌های مداوم شوهرش از کوره درمی‌رود و صدایش بلند می‌شود: «مگر تو نمی‌دانستی ما بد می‌دانیم به دختر چه‌زیه و ارث بدهیم؟ تسوا از اول به‌خاطر مال و منال پدرم دنبال‌امدی.» لهجه دارد و رنگ و روی سبزه‌اش نشان می‌دهد در پایتخت غریب است. خیلی زود از جار و جنجال خسته می‌شود و بغضش می‌شکند: «اگر پدرم من را دست خالی به خانه تو نمی‌فرستاد به چشمتم

اینقدر خوار و بی‌ارزش نمی‌شدم.» همسرش وقتی برای گذاردن خدمت سربازی، مهمان شهرشان بوده به دل باخته است. جوان عاشقی می‌دانسته در طایفه دخترک تمام ارث و میراث پدر به پسر می‌رسد و دختر دست خالی به خانه شوهر می‌رود تا مسال خانواده نصیب داماد غریبه نشود، اما پس از فوت پدر همسرش، درحالی‌که آتش عشق و عاشقی‌اش سردتر شده و تنگناهای زندگی به او فشار آورده بود، برای همسرش شرط و شروط تعیین کرده که برای ادامه زندگی با او باید از برادر ثروتمندش تقاضای ارث و میراث کند.

دین و قرآن دارد و زن را ناقص‌العقل و نیازمندقیم می‌داند و به‌نام اسلام نسبت به زن دیدگاهی متحجرانه ارائه می‌کند.» او معتقد است جمهوری اسلامی به زن نگاه‌ی انسانی داشته و با دادن حق رأی و ایجاد برابری در حق آموزش، برای زن جایگاهی مساوی با مرد قائل شده، اما غالب شدن این دیدگاه‌ها بر سیاستگذاری‌ها مانع احقاق کامل حقوق زنان شده است.ولی‌مراد تغییر دیدگاه تعدادی از بانوان نسبت به مقوله حجاب را ناشی از همین نگرش حاکم‌برجامعه می‌داند و می‌گوید: «اگر به زن نگاه‌انحطی‌انگه‌مادی و ابزاریی داشته باشیم و عقل و تحقیقات جامعه‌زینب(س)،مدیر شورای همکاری زنان و مسئول سایت «ایران زنان» است و بیانات اخیر مقام معظم رهبری در مورد جایگاه زن در اسلام و جامعه را نشان دهنده جایگاه واقعی زن ایرانی می‌داند. ولی‌مردهای‌په‌وجود ۲ جریسان فکری تأثیرگذار بسر خط‌مشی فرهنگی و قانونگذاری کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «دولت‌های مختلف با توجه به ۲ طیف فکری و عقیدتی سیاست‌های خود را تعیین می‌کنند. یکی از این طیف‌های فکری بر نگاه غربی مبتنی است و آن را مبنای قرار می‌دهد که به‌دلیل نگاه ابزاری و جنسی به زن آسیب‌زننده است. در این نگاه زن خودش را بی‌قیمت می‌کند و برای لذت‌جویی در اختیار مرد قرار می‌دهد. جریان فکری دیگری که خودش را بر دولت، مجلس و قانونگذاران تحمیل می‌کند، ترجمه ناصحیحی از دستورات

نکته

بوی بهبود از اوضاع زنان ایرانی



آنچه آمار و اسناد معتبر از وضعیت زنان ایران طی یک قرن اخیر پیش‌روی ما می‌گذارد، اشاره مستقیمی به تأثیر رویداد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷بر وضعیت آنها دارد؛ رویداد بزرگی که روزنه‌امیدی برای زنان با هدف مطالبه‌گری جامع و کامل حقوق‌شان در همه عرصه‌های خرد و کلان جامعه محسوب می‌شد و اگر هنوز با آرمان شهر فاصله‌ای است باید به‌شناسایی خلأها، موانع، تقویت زیرساخت‌های گوناگون بسا توجه به پیوسته‌های مطالعاتی و پژوهشی پرداخت. در زیر وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی زنان در قالب‌اعداد و ارقام قبل‌وبعد از رویداد پیروزی انقلاب اسلامی به‌اجمال بررسی می‌شود.

● ● ●

بهبان‌ها و نکته‌ها



باید پیش از این به‌چه‌نگاهی می‌رسیدیم، چرا همیشه منتظریم تا کسی، نکته‌ای را مطرح کرده و سروقتش برویم؟ حقیقت امر این‌که در حق زنان جامعه‌ما، ظلم‌هایی در خانسه و اجتماع صورت می‌گیرد؛ ظلم‌هایی که هیچ ارتباطی به کلیت نظام و اسلام نداشته و غالباً ناشی از کج‌فهمی از این موارد است.

● ● ●

زخم‌های پنهان



خانواده، نه تنها در اسلام و ایران که حتی در بیشتر نقاط جهان هنوز هم مهم‌ترین نهاد اجتماعی به شمار می‌رود.

کشورهای توسعه‌یافته معمولاً وقتی می‌خواهند تغییر مثبت و اجتماعی ایجاد کنند، سعی می‌کنند از این نهاد و سرمایه‌گذاری روی آن شروع کنند. به همین نسبت است که خانه نیز باید امن‌ترین نقطه یک جامعه فعالیت‌های سیاسی نکند؛ معنای خانهداری این نیست. خانهداری یعنی خانه را داشته باشید؛ در کنار داشتن خانه، هر کار دیگری که از عهده‌شما برمی‌آید و میل به آن و شوق به آن را دارید می‌توانید انجام بدهید. منتهایم در ذیل خانهداری است.

حجاب یک ضرورت شرعی است؛ ضرورت شرعی است؛ یعنی هیچ تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد؛ این راهم باید بدانند. اینکه حالا خدشه کنند، شهبه کنند که آیا حجاب هست، لازم است، ضروری است، نه جای خدشه و شهبه ندارد؛ یک واجب شرعی است که باید رعایت بشود، منتهای آن کسانی که حجاب را به‌طور کامل رعایت نمی‌کنند، اینها را نباید متهم کرد به بی‌دینی

● ● ●

و ضدتقلای بنه.

■ در دوره پیش از انقلاب، زنان فرانّه، فهیمده، دانشمند، تحصیل کرده، اهل تحقیق و صاحب پژوهش در زمینه‌های مختلف، انگشت‌شمار بودند؛ این‌همه‌استاد دانشگاه‌زن، این‌همه‌پزشک متخصص

و فوق‌تخصص زن، این همه دانشمند محقق در بخش‌های مختلف –اینکه می‌گویم بخش‌های مختلف واقعاً جاهایی است که خودم رفتام، دیدام، بازدید کردم –دانش‌های پیشرفته، فناوری‌های پیشرفته، زبان‌دانشمند، زنان فرهیخته انجام‌شغول کار هستند. خوب حالا اینکه از آنها استفاده عملی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نمی‌شود، بله، این یک عیب است.

■ اضافه این است که در جامعه ما درون بعضی از خانواده‌ها به‌زن‌ها ظلم می‌شود؛ مرد یا تکیه بر توان جسمی خودش، چون صدایش کلفت‌تر است، قدش بلندتر است، بازوهایش کلفت‌تر است، زور می‌گوید به زن، ظلم می‌شود؛ زن‌ها، خوب راهش چیست؟ چه کار کنیم؟ خانواده را هم می‌خواهیم حفظ کنیم دیگر، راه‌اش این است که قوانین مربوط به داخل خانواده آنچنان محکم و قوی باشد که هیچ مردی قادر به ظلم کردن به زنان نباشد؛ بایستی قوانین، اینجا به کمک طرف مظلوم بیایند.



سخن از زبان ما می‌گویی...

■ آنقدر صریح و بی‌برده بود که هم آنهاپی را که گاه دین را به رأی خود تفسیر می‌کردند، غافلگیر کرد و هم تکلیف آنهاپی را که در برابر منطق غلط‌انداز و اتوکشیده غرب بی‌جواب مانده بودند، روشن کرد. –سختان مقام معظم رهبری در جمع اقشار مختلف بانوان فصل‌خطایی بود برای همه تعریف غلط و صحیح از چهره زن مسلمان و مطلب زیر گزیده‌ای است از بیانات ایشان در آن دیدار خاص که چهارشنبه هفته گذشته اتفاق افتاد و بهانه پرونده

زنانه‌مادر همشهری شد.

■ درباره نظر اسلام این‌جوری می‌شود گفت که اسلام در ارزشگذاری انسانی و اسلامی، «انسان» را موردنظر دارد؛ زن و مرد هیچ خصوصیته نداشتند، هیچ تفاوتی نداشتند؛ تساوی زن و مرد در زمینه ارزش‌های انسانی و اسلامی جزو مسلمات اسلام است.

■ وظایف متقابل زن و مرد نسبت به یکدیگر مختلفند اما تعادل وجود دارد. یعنی هر وظیفه‌ای که به کسی محول شده، در قبالش یک حقی وجود دارد. هر امتیازی به هر کدام داده‌شده، در مقابلش یک وظیفه‌ای وجود دارد، تعادل کامل.

■ هم در جسم، هم در روح و در مسائل معنوی، یک تفاوت‌هایی وجود دارد، مسئولیت‌ها متناسب با آن تفاوت‌هاست. این تفاوت‌ها تأثیر دارد در نوع مسئولیت‌هایی که متوجه به زن یا مرد است؛ این مربوط به طبیعت زنانه یا طبیعت مردانه است. هیچ کدام نبایستی چیزی بر خلاف طبیعت خودشان انجام بدهند.

■ نظام سرمایه‌داری غرب یک نظام مردسالار است؛ یعنی آن چیزی که آنها نسبت به اسلام می‌گویند و غلط می‌کنند و خلاف واقع می‌گویند، عیناً در مورد خودشان صادق است؛ چرا؟ ریشه این نگاه هم این است که در نظام سرمایه‌داری، سرمایه بالاتر از انسانیت است و انسان‌ها در خدمت سرمایه قرار می‌گیرند. یکی هم چون مرد جنس برتر است، زن وسیله‌التذاذ مرد قرار بگیرد. بر نامه‌بزی برای تجارت، برای صنعت، برای زندگی متعارف در کوچه و خیابان جوری است که مرد هوسباز و هوسناک بتواند خودش را با چشم، با غیرچشم اشباع کند!

■ درست نقطه مقابل تمدن غربی که مرد را الگو قرار می‌دهد، در قرآن زن را الگو قرار می‌دهد؛ نه فقط برای زنان بلکه برای همه انسان‌ها، چه در زمینه کفر، چه در زمینه ایمان.

■ زن یک «قهرمانه» نیست. در خانواده، این جور نیست که شما خیال کنید حال‌زن گرفتید، کارها را بریزید سر زن؛ تخیر، خودش داوطلبانه یک کاری را می‌خواهد انجام بدهد، اعیب ندارد؛ خانه خودش است، دلش می‌خواهد یک کاری را انجام بدهد، انجام داده، اگر نه، هیچ‌کس حق ندارد –مرد یا غیرمرد –او را وادار کند، اجبار کند به اینکه کار را باید انجام بدهد.

■ نسل بشر با «مادری» است که ادامه پیدا می‌کند. مادر ما مایه انتقال عناصر هویت ملی‌اند، هویت ملی، یک چیز مهمی است. یعنی هویت یک ملت، شخصیت یک ملت در درجه اول به وسیله مادرها منتقل می‌شوند؛ زبان، عادات، آداب، سنسنت‌ها، اخلاقی‌های خوب، عادت‌های خوب، اینها همه در درجه اول به وسیله مادر منتقل می‌شود. پدر هم مؤثر است اما خیلی کمتر از مادر؛ مادر بیشترین تأثیر دارد.

■ اصلی‌ترین نقش یک زن از نظر اسلام همین نقش خانهداری است. منتهای مهم این است که خانهداری به‌معنای خانه‌نشینی نیست. بعضی، اینها را باهم اشتباه می‌کنند؛ وقتی می‌گویم خانهداری، خالی می‌کنند می‌گویم داخل خانه بنشینید، هیچ کار نکند، هیچ وظیفه‌ای انجام ندهید، تدریس نکند، مجاهدت نکند، کار اجتماعی نکند، فعالیت‌های سیاسی نکند؛ معنای خانهداری این نیست. خانهداری یعنی خانه را داشته باشید؛ در کنار داشتن خانه، هر کار دیگری که از عهده‌شما برمی‌آید و میل به آن و شوق به آن را دارید می‌توانید انجام بدهید. منتهایم در ذیل خانهداری است.

■ حجاب یک ضرورت شرعی است؛ ضرورت شرعی است؛ یعنی هیچ تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد؛ این راهم باید بدانند. اینکه حالا خدشه کنند، شهبه کنند که آیا حجاب هست، لازم است، ضروری است، نه جای خدشه و شهبه ندارد؛ یک واجب شرعی است که باید رعایت بشود، منتهای آن کسانی که حجاب را به‌طور کامل رعایت نمی‌کنند، اینها را نباید متهم کرد به بی‌دینی

درخواست کمک کنید



حتماً در زندگی‌تان افرادی حضور دارند که مشتاق کمک کردن به شما باشند، اما از آنجا که وضعیت موسوم به خشونت خانگی غالباً بنت درهای بسته خانه اتفاق می‌افتد، حتی نزدیک‌ترین افراد خانواده و دوستان‌تان بدون آنکه خودتان چیزی بگویند، متوجه اوضاع شما نخواهند شد. مطرح کردن موضوع با شخصی که به آن اعتماد دارید، به شما کمک می‌کند آرام شوید و احساس امنیت کنید.